

راه‌آطلائی

راه عبور دخانیات به جمهوری اسلامی ایران و عراق
تجارت غیرقانونی دخانیات در خاورمیانه
مرکز تحقیقات پیشگیری و کنترل دخانیات
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی





مرکز تحقیقات
پیشگیری و کنترل دخانیات
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

راه طلایی

راه عبور دخانیات به جمهوری اسلامی ایران و عراق

تجارت غیرقانونی دخانیات در خاورمیانه

Document WHO-EM/TFI/011/E/G/07.03/1000

مرکز تحقیقات پیشگیری و کنترل دخانیات

- راه عبور دخانیات به جمهوری اسلامی ایران و عراق
- تجارت غیرقانونی دخانیات در خاورمیانه

مندرجات

- ۱- مقدمه
- ۲- شاخصهای اصلی قاچاق
- ۳- نقش صنعت دخانیات
- ۴- قاچاق دخانیات در خاورمیانه
- ۴-۱ مجلات تجارت دخانیات
- ۴-۲ دادخواهیها
- ۴-۳ مدارک داخلی صنعت داخلی
- ۵- تردید در استراتژی بازاریابی: واردات قانونی یا غیرقانونی؟
- ۶- راه حلها

: مرکز تحقیقات پیشگیری و کنترل دخانیات

:

:

:

:

:

تاریخ: پاییز ۱۳۸۵

پدیده قاچاق در مورد کالایی که تقاضای بسیار دارد و عرضه آن تحت نظارت قانونی باید انجام گیرد اتفاق می‌افتد. از آنجایی که با اجرای برنامه‌های کنترل دخانیات در دهه گذشته در کشورهای پیشرفته شیوع مصرف سیگار پایین آمده است صنایع دخانیاتی برای پیدا کردن بازارهای جدید کشورهای در حال پیشرفت را هدف قرار داده‌اند. اطلاعات بدست آمده از فعالیت‌های انجام شده صنایع دخانیاتی نشان می‌دهد که ابتدا آنان دولت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و سودآوری بیشتر عرضه و فروش سیگار و ارائه محصول بهتر را پیشنهاد می‌کنند و بدین ترتیب قصد دارند تا صنعت دخانیات را از انحصار مطلق دولت‌ها درآورند و سپس با حضور در کشورها به صورت نمایندگی و داشتن قرارداد قانونی با دولت زمینه را جهت پیدا کردن راه‌های ورود غیرقانونی و هدایت پدیده قاچاق فراهم نمایند. کتاب پیش رو که در کنفرانس جهانی دخانیات یا سلامتی در سال ۲۰۰۳ میلادی در هلسینکی فنلاند ارائه شد یکی از اسناد معتبر سازمان بهداشت جهانی در مورد قاچاق سیگار در ایران می‌باشد که خواندن آن برای عموم خصوصاً دست‌اندرکاران برنامه‌های بهداشتی و اقتصادی کشور توصیه می‌شود.

لازم است از زحمات ارزنده جناب آقای دکتر هومن شریفی در ترجمه و تهیه متن ق‌دردانی ویژه نموده و نیز از راهنمایی‌های مؤثر استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمدرضا مسجدی در نهایی شدن موضوع تشکر نمایم.

دکتر غلامرضا حیدری

سرپرست مرکز تحقیقات پیشگیری و کنترل دخانیات

۵	مقدمه
۶	شاخصهای اصلی قاچاق
۸	نقش صنعت دخانیات
۱۰	قاچاق دخانیات در خاورمیانه
۱۱	۱-۴ مجلات تجارت دخانیات
۱۳	۲-۴ دادخواهیها
۱۷	۳-۴ مدارک داخلی صنعت داخلی
۲۰	تردید در استراتژی بازاریابی: واردات قانونی یا غیرقانونی؟
۲۴	راه حلها
۲۶	پیوست

۱- مقدمه

صنعت دخانیات این ادعا را دارد که قاچاق دخانیات در اثر فشار حاصل از بازار مصرف بوجود می‌آید و اختلاف قیمت در کشورهای گوناگون، باعث ایجاد انگیزه برای قاچاق سیگار از کشورهای "ارزاتر" به کشورهای "گرانتر" می‌شود. به اعتقاد صاحبان این صنعت دولتها باید از طریق کاهش مالیات این مشکل را حل نموده تا موجب بازگشت سرمایه (درآمد) گردد. واقعیتها بر خلاف این مدعاست. در اصل، قاچاق در کشورهای "ارزاتر" شایعتر است و در جایی که مالیات کاهش پیدا کرده (برای مثال کانادا و سوئد) مصرف بالا رفته و درآمد کاهش پیدا کرده است. بهرحال اقدام جدید WHO شاید در نهایت بتواند تا حدی قاچاق را در سطح جهانی کنترل کند.

قاچاق دخانیات یک مسئله بحرانی بهداشت عمومی می‌باشد. قاچاق با عرضه محصولات ارزان به بازار، قابلیت دستیابی ساده‌تر و در نتیجه تحریک برای مصرف و همینطور افزایش روی بهداشت عمومی، تأثیر می‌گذارد. این یک پدیده کوچک نیست. برآورد شده است که بطور کلی در سطح جهان، یک سوم از صادرات قانونی دنیا بصورت قاچاق سر از بازارهای دیگر در می‌آوردند. این یک نسبت غیرقابل تصور است که منجر به نقش کلیدی دیگری در اثر قاچاق می‌شود و آن کاهش بیلونها دلار از درآمد دولتها است. درآمد کلی که برآورد می‌شود دولتها در اثر این قاچاق سالیانه از دست می‌دهند در حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار میلیون دلار آمریکا است.

قاچاق سیگار در تمام نقاط دنیا اتفاق می‌افتد، حتی در نواحی که میزان مالیات بسیار پائین است. یک سند داخلی از کمپانی BAT برآورد کرده است که ۳۲۴ میلیارد یا تقریباً ۶٪ از فروش جهانی ۵۴۰۰ میلیارد سیگار، سیگارهایی بودند که مالیاتشان پرداخت نشده (DNP). اروپای شرقی و منطقه آسیا-اقیانوسیه هر کدام ۸۵ میلیارد را به خود اختصاص داده‌اند و این رقم در مورد اروپای غربی هم قابل ملاحظه بوده و در حدود ۵۰ میلیارد می‌باشد. در رابطه با فروش کلی بازار، مقدار DNP در اروپای شرقی بالاترین حد خود را داشته (حدود ۱۳٪)، و در آفریقا و خاورمیانه (حدود ۱۲٪) می‌باشد. این مقدار در آمریکای لاتین (۹٪) و اروپای غربی (۷٪) می‌باشد که این ارقام هم قابل ملاحظه بوده است. سیگار در اروپای غربی بیشترین قیمت را در کل دنیا دارد، چهار تا پنج برابر بالاتر از آفریقا، خاورمیانه یا اروپای غربی در سال ۱۹۹۶. بهرحال با وجود این قیمتهای بالا، قاچاق بطور متوسط از بقیه نواحی دنیا پائین‌تر است. به عبارت دیگر، قاچاق سیگار اساساً در اثر مصرف بازار بوجود نمی‌آید. علت اصلی آن راههای مختلف کسب درآمد نامشروع و وجود راههای مختلف برای فرار از مالیات است.

با تمام این وجود صنعت دخانیات هنوز سعی می‌کند تا دولتها را بر کاهش مالیات ترغیب کند و بحث اصلی آن این است که اینکار موجب حل مشکل قاچاق و افزایش درآمد دولتها می‌شود. اما در دنیای واقعی، عکس این قضیه اتفاق افتاد. وقتی دولت کانادا میزان مالیات سیگار را کاهش داد در پاسخ به فشارهای صنعت دخانیات، نتایج فاجعه‌آمیز بود. شاخصه اصلی قاچاق دخانیات اینست که اینکار نه تنها محصولات ارزان دخانیات را در دسترس می‌گذارد، بلکه در اصل مالیات‌بندی جهانی دخانیات را خدشه‌دار کرده و استراتژیهای کنترل دخانیات را بی‌اثر می‌کند.

۲- فاکتورهای اصلی در قاچاق

بطور کلی دو نوع قاچاق سیگار وجود دارد: اول فروش جزئی و دست به دست و دوم قاچاق در حجم زیاد و هدفدار. اختلافات اصلی می‌توانند بصورت زیر خلاصه گردند:

اصطلاح "Bootlegging" در قرن نوزدهم استفاده می‌شد و اشاره به قاچاقچینی دارد که بطوری مشروب را در گیتار مخفی می‌کردند. ما این اصطلاح را برای توصیف فعالیتهای قاچاقی بکار می‌بریم که اشخاص بطور انفرادی اقدام به وارد کردن کمیتهای کوچکی از محصولات می‌کنند. این امر بطور مثال شامل، خرید سیگار یا سایر محصولات دخانی از مکانهایی با مالیات پائین با حجمی بیش از حد متعارف مصرف کننده برای فروش در مکانهایی با مالیات بیشتر است. بطور کلی، خرده‌فروشی شامل جابجا کردن سیگار در طی مسافتهای کوتاه است (برای مثال، بین کشورهای همسایه یا استانهای نزدیک) که معمولاً اختلافات قابل توجه در قیمتها بین حوزه‌های نزدیک باعث این مسئله می‌گردند.

این نوع قاچاق جزئی در بسیاری از مناطق دنیا مشکل بوجود آورده است، ولی اختلاف فاحش قیمت بین مناطق مجاور وجود ندارد و سهم بازار از این نوع قاچاق بسیار جزئی‌تر از قاچاق در حجم وسیع دخانیات است. قاچاق با حجم وسیع دخانیات (یا قاچاق کانتینری)، برعکس، شامل حمل و نقل غیرقانونی، توزیع غیرقانونی و عرضه حجم وسیعی از سیگار و سایر محصولات دخانی است که کلاً بدون پرداخت مالیات است. این نوع قاچاق معمولاً شامل میلیونها سیگار است که در فاصله‌های دور قاچاق می‌شود.

قاچاق با حجم وسیع معمولاً با حضور سازمانهای خلافکار تشویق می‌شود و تا حدی یک سیستم هوشمند برای توزیع قاچاق در سطح منطقه وجود دارد. این مسئله بطور وسیعی با فقدان کنترل بین‌المللی برای سیگارهای آزاد از مالیات، کمک می‌گردد. این حجم وسیع قاچاق که البته سازمان‌یافته است یک مشکل بزرگ بوده و در اثر تفاوت قیمت در محصولات دخانی ایجاد نمی‌گردد. مقدار قابل توجهی از سرمایه درگیر این موضوع است. قاچاقچیان، حجم انبوه کانتینر که هر یک شامل ۱۰ میلیون سیگار می‌باشد را جابجا می‌کنند. یک کانتینر حاوی ۱۰ میلیون سیگار می‌تواند بدون مالیات حدود ۲۰۰,۰۰۰ دلار آمریکا خریده شود ولی اگر ارقام دیگر از قبیل (مالیات بر واردات و مالیات آزاد و مالیات بر قیمت) به آن افزوده شود، سه تا ده برابر، قیمت خواهد داشت. قاچاقچیان عمده، با حجم انبوه قاچاق در تمام نقاط دنیا بر قیمتها، کنترل دارند بطوری که قیمت حمل و نقل کانتینرها بسیار کمتر از موارد دیگر در بازار است. شایعترین راه برای خرید سیگارهای معاف از مالیات، خرید سیگار تحت لوای "ترانزیت" است. ترانزیت یک امتیاز خاص است که هدف آن در اصل مهیا کردن تجارت می‌باشد. در این روند کشورهای که محصولات از آنها می‌آیند یا از طریق آنها به یک کشور سوم می‌رسند و احتمالاً مصرف کننده موقت محصولات هستند از انواع مالیات معاف می‌شوند. بهر حال، بسیاری از کانتینرها در طی این جابجایی ناپدید شده و هرگز به مقصد اصلی نمی‌رسند.

در مورد کانتینرهای قاچاق این مسئله حایز اهمیت است که اولاً این روزها بسیار سازمان‌یافته هستند و ثانیاً تولید کنندگان ظاهراً بطور قانونی کالاها را به کشورهایی صادر می‌کنند که هیچ بازار فروشی ندارند. این محصولات

از این کشورها در بازارهای هدفی که قیمت عرضه در آنجا نصف یا حتی یک سوم است بصورت غیرقانونی فروخته می‌شوند. محصولات در این کشورها می‌توانند بدون مالیات و بصورت غیرقانونی فروخته شوند. این جابجایی فریبکارانه معمولاً شامل تعداد زیادی خریدار است که بین مقصد اول تا ناپدید شدن محصولات و عرضه آنها طی یک مسافت طولانی دیده می‌شود.

بنابراین قاچاق، بطور وسیعی شامل سیگارهایی می‌شود که شامل مالیات طی این ترانزیت هستند و سپس در طی این جابجایی ناپدید می‌گردند. اغلب این سیگارها بعنوان سیگارهای "گم‌شده" در صحنه تجاری دنیا قلمداد می‌شوند. برآورد می‌شود که حدود یک سوم سیگارهای صادراتی در دنیا بصورت قاچاق در می‌آیند. (جدول ۱) مراحل مختلف در برنامه‌های قاچاق عبارتند از:

- تولید در یکی از کمپانیهای تولیدکننده سیگار (اغلب بین‌المللی)
- صادر کردن قانونی یک یا چند محموله به یک دلال که در محل اصلی برای صادر شدن واقع نشده تا بتواند سیگارها را بدون مالیات و با کمک قانون ترانزیت خریداری کند.
- انجام برنامه‌های از پیش تعیین شده مثل مخفی کردن و پیگیری ظاهری محموله‌ها با کسانی که در مقاصد اصلی صاحب قدرت هستند؛ صادر کردن و وارد کردن کانتینرهای مختلف به نقاط مختلف دنیا در طی یک فاصله زمانی کوتاه. هدف از این عملیات اینست که دریافت کنندگان نهایی را مخفی کنند و این ارتباط را تا حد ممکن بر ملا نکنند. طرز دریافت پول غالباً بصورت نقدی یا از طریق حسابهای بانکی پرتردد انجام می‌شود.
- جابجایی از مناطق قانونی از طریق مسیرهای غیرقانونی به مکانهایی که چندان حفاظت نمی‌شوند ولی از قبل شناخته شده هستند. کانتینرهای حاوی سیگار معمولاً تخلیه و مجدداً در کانتینرهای با ظاهر دیگر جاسازی می‌شوند. طبیعتاً، کارتونها سیگار در زیر سایر محصولات جاسازی می‌شوند (مثل حوله- کفش- اسباب‌منزل- لباس-پیتزا) و کانتینرها بدین ترتیب بطور ظاهری مملو از اساس پر زرق و برق هستند.
- حمل و نقل غیرقانونی سیگارها به مکانهای فروش از قبل تعیین شده
- فروش غیرقانونی از طریق شبکه طراحی شده‌ای که هدفش بازارهای خاصی است.

جدول ۱: واردات و صادرات سیگارهای جهان (میلیارد نخ)

سال	واردات	صادرات
۱۹۹۰	۴۱۸	۵۴۳
۱۹۹۲	۵۶۸	۸۰۴
۱۹۹۴	۸۸۶	۱۱۵۶
۱۹۹۶	۶۰۷	۱۰۴۷
۱۹۹۷	۶۰۳	۱۰۶۹
۱۹۹۸	۶۱۰	۱۰۳۱
۱۹۹۹	۵۸۳	۵۵۶
۲۰۰۰	۶۱۸	۹۰۷
۲۰۰۱	۶۲۲	۸۹۸
۲۰۰۲	۶۲۴	۹۲۹

۳- نقش صنعت

طبق گزارش بانک جهانی تحت عنوان؛ 'فرونشانی اپیدمی: دولت‌ها و اقتصاد کنترل دخانیات'، تئوریه‌های اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند که صنعت به نوبه خود از وجود قاچاق سود خواهد برد. مطالعات بر روی اثرات قاچاق نشان می‌دهند که وقتی سیگارهای قاچاق شده درصد بالایی از فروش کلی را تشکیل می‌دهند، میانگین قیمت برای تمام سیگارها، با مالیات و بدون مالیات، نزول خواهد کرد، و باعث افزایش فروش سیگار بطور کلی می‌شود. علی‌رغم ادعاهای خلافی که در مورد حمایت از فعالیتهای غیرقانونی می‌کنند، صنعت دخانیات از طرق مختلف از بابت قاچاق سود می‌برد:

- قاچاق باعث تحریک مصرف هم از راه مستقیم (از طریق فروش خیابانی محصولات دخانی ارزان قیمت) و هم از راه غیرمستقیم (از طریق فشار برای کم کردن یا پائین نگه داشتن مالیاتها) می‌شود.
 - نقش تهدید کننده قاچاق که باعث اجتناب از سدهای تجاری یا ایجاد بازارهای جدید می‌شود.
- کمپانیهای سیگارسازی غالباً خلافکاریهای وسیع سازمان‌یافته را که بطور وسیع در سطح جهان قاچاق می‌شود مورد نكوهش قرار می‌دهند ولی مقدار زیادی از این خلافکاریهای سازمان‌یافته که اکثریت قاچاق سیگار در کل دنیا را شامل می‌شوند، با دانش خود کمپانیهای سیگارسازی حمایت می‌شوند و بدون دخالت آنها میسر نمی‌باشند. این واقعیات بطور قطع از طریق مدارک داخلی و گذشته کمپانیها بدست آمده است و از طریق دفاتر قانونی مختلف بر علیه این کمپانیها اقدام به عمل می‌آید. این مدارک توصیف کننده دانش وسیع و دید عالی و حمایت از قاچاق توسط کمپانیهای تولید کننده سیگار در تعداد زیادی از کشورها است. بهرحال فقط نسبت بسیار کوچکی از مدارک مربوط به قاچاق تا بحال از طریق جراید یا دیگر رسانه‌ها برملا شده‌اند.
- مدارک دیگری در دفاتر حقوقی شرکتهای دخانیات است که ترتیب تاریخی درگیر قضیه بودن کمپانیها را در قاچاق سیگار نشان می‌دهند و سایر این مدارک بطور قطع در بایگانیهای خود کمپانیهای سیگارسازی وجود دارد، البته اگر تا بحال از بین نرفته باشند. کمپانیهای سیگارسازی از کلمه قاچاق استفاده نمی‌کنند بلکه از واژه‌های متعارف دیگر یا کلمات رمز برای این معنا استفاده می‌کنند. درجائیکه مدارک شرکت کمپانیها و فعالیتهای قاچاق هوشمندانه آنها فاش می‌گردد، این واژه و رمزها بصورت یک امر طبیعی جلوه می‌کند.
- دو واژه متعارف شایع عبارتند از: DNP (مالیات پرداخت نشده) و transit (عبوری). در اینجا مثالهایی را عنوان می‌کنیم:
- با توجه به معنای ترانزیت این یک واردات اساساً غیرقانونی کالا از هنگ کنگ، سنگاپور، ژاپن و غیره است که هیچ مالیاتی پرداخت نشده. از دیدگاه نویسندگان، این نوع یکی راههای شایع در جنوب تایوان است...
 - کالای قاچاق ۹٪ از بازار سیگار آرژانتین است و ۴۶٪ از بازار شمال شرقی آرژانتین و سیگارهای DNP یک واقعیت زندگی در این مناطق است و تقریباً کاملاً سازمان داده شده می‌باشند.

- بازار DNP حجم وسیعی از سیگارهای تولیدشده در ونزوئلا است، که بطور عمده به اروپا صادر می‌شود و مجدداً بعنوان ترانزیت بعلاوه سیگارهای ترانزیتی تولید شده در مکانهای دیگر مثل برزیل یا اکوادور وارد ونزوئلا می‌شود.

در مدرکی در سال ۱۹۹۳ یک شرکت انگلیسی-آمریکایی دخانیات بنام (BAT) یک پرسشنامه همراه با جواب را برای تجارت خارجی تهیه کردند که نمونه سؤالات و جوابها به این ترتیب بود:

- سؤال ۱۰: تجارت ترانزیت چیست؟

تجارت ترانزیت یک جابجایی کالا از یک کشور به کشور دیگر بدون پرداخت مالیات است. بیشتر بعنوان قاچاق شناخته می‌شود.

- سؤال ۱۱: آیا شما آگاه از قاچاق سیگار هستید؟

بله، قاچاق کالاهای محبوب و عمومی که همیشه همراه مالیات زیاد بوده در طی قرن‌ها ادامه یافته است. سیگار هم مثل الکل به بخشهای زیادی از دنیا قاچاق می‌شود.

- سؤال ۱۲: کمپانی‌های BAT یک تشکل است که طرفدار فعالیتهای قاچاق است؟

نه، اما ما از قاچاق چشم‌پوشی نمی‌کنیم. بخاطر مالیاتهای بالا و محدودیتهای تجاری، قاچاق غیرقابل اجتناب است.

- سؤال ۱۳: شایعترین مکان برای قاچاق کجاست؟

خاور دور، آمریکای لاتین، اروپای مرکزی و شرقی و آفریقا

ارتباط بین تجارت ترانزیت و قاچاق در این سند مشهود است: ترانزیت کلمه دیگری است که بازگوکننده قاچاق می‌باشد. بر طبق این سند، قاچاق پی‌آمد مالیات بالا است ولی بطور عجیبی بنظر می‌رسد در مناطقی که مالیات پائین است، شایعتر باشد.

۴- قاچاق سیگار در خاورمیانه

در خاورمیانه، دو بازار هدف اصلی برای کمپانی‌های تولیدکننده سیگار، جمهوری اسلامی ایران و عراق هستند: خاورمیانه شامل ۱۲ کشور و حدود ۱۴۵ میلیون جمعیت با رشد سالانه ۳٪ است. پنج کشور شامل ایران، عراق، امارات، سوریه و یمن حدود ۹۰٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند. کل سیگار بازار حدوداً ۱۰۸ میلیارد سیگار تخمین زده شده است. این رقم شاید ۱۵ تا ۲۰ بیلیون کمتر از واقعیت باشد، خصوصاً در ایران و عراق (که مثل یمن) اطلاعات کامل نیستند.

۴۹٪ حجم کالا در ایران (۲۶٪)، عراق (۱۵٪) و یمن (۸٪) وجود دارد که در گذشته مورد غفلت ما بوده‌اند و جاییکه ما سهم خود را یا بطور غیر مشخص (ایران و عراق) یا تا حد صفر (یمن) داریم. هر دو کشور ایران و عراق منابع بسیار با ارزشی برای شرکتهای تولیدکننده سیگار هستند. در واقع، بسیاری از شرکتهای تولیدکننده در مدارکشان به نقش مهم ایران بارها اشاره کرده‌اند.

دلایل زیادی برای مورد توجه بودن ایران از نظر شرکتهای تولیدکننده وجود دارد که شامل: (۱) جمعیت زیاد، (۲) بالا رفتن استانداردهای زندگی، (۳) زمینه برای مصرف متوسط سیگار بالا، و (۴) یک روند جهانی به سمت کاهش دادن انحصار دولتی دخانیات. علاوه بر این، ایران از نظر مکانی ایده‌آل بوده، کشوری است که در بین تولیدکنندگان و کشورهای کوچک همسایه و شوروی سابق از چند طرف واقع شده است.

مدارک بازگوکننده این هستند که شرکتهای چندملیتی دخانیات ایران را تنها به عنوان یک بازار مصرف نگاه نمی‌کنند، بلکه بعنوان کانالی که بتوان سیگارهای قاچاق را به دیگر کشورها رساند، قلمداد می‌کنند. بطور کلی، مدارک صنعت دخانیات نشان می‌دهند که ایران بعنوان یک میدان مبارزه در نظر گرفته شده، جایی که انحصار ملی دخانیات می‌تواند خدشه‌دار شود، مقامات دولتی می‌توانند گمراه گردند و سلامت جسمی ایرانیان می‌تواند قربانی سود سهامداران کمپانیهای تولیدکننده سیگار شوند.

منحصر به فرد بودن ایران با یک مقاله جدید در مجله تجارت تنباکو کاملاً مشخص می‌شود: ایران بزرگترین مصرف‌کننده در خاورمیانه است و این شامل مصرف تعداد معینی سیگار است. حدود ۴۵ میلیارد نخ هر سال بفروش می‌رسد و مصرف با رشد سالانه ۱ درصد در حال افزایش است.

عراق یک بازار جالب دیگر برای کمپانی‌های دخانیات است. در یک سند متعلق به BAT در سال ۱۹۹۰، بازار عراق بصورت زیر توصیف شد: این بازار برای تحقق اهداف تجاری کاملاً مستعد می‌باشد و هر اقدامی جهت افزایش بهره‌وری از این بازار مفید خواهد بود. (بیش از ۳۰ بیلیون داد و ستد سالانه که با بیش از ۵ بیلیون دلار افزایش سالانه مواجه می‌شود) این امر با محصولات بین‌المللی ما، که در ابتدا با Benson & Hedges شروع شد، کاملاً تضمین شده می‌باشد. محصولات انگلیسی از حدود ۲۰ سال پیش در عراق بوده‌اند:

سیگارهای عراقی از قبل اشتیاق خود را به سیگارهای انگلیسی از چند دهه پیش نشان داده‌اند. در اوایل دهه ۱۹۸۰ بریتانیا یکی از مهمترین فراهم‌کنندگان سیگارهای عراق بوده است. صادرات سیگارهای انگلیسی به عراق بطور بطور متوسط ۴۸ میلیون دلار در طی ۸۱-۱۹۷۹ و ۳۷ میلیون دلار سالانه در طی ۸۴-۱۹۸۲ بوده است.

سیگارهای آمریکایی-آلمانی و یونانی هم راه خود را بصورت غیرقانونی به بازارهای ایران و عراق پیدا کردند. مدارک داخلی صنعت و ژورنالهای تجارت تنباکو و دفاتر حقوقی، این راههای ترانزیت را توصیف کرده‌اند.

۱-۴ مجلات تجارت تنباکو

هر دو کشور قبرس و لبنان از واردکنندگان مهم سیگارهای آمریکایی هستند. (جدول ۲)

جدول ۲. صادرات سیگارهای آمریکا به قبرس و لبنان (میلیون نخ سیگار)

سال	لبنان	قبرس
۱۹۹۵	۱۰۰۹۸	۷۴۷۳
۱۹۹۶	۱۱۷۱۳	۹۴۸۸
۱۹۹۷	۱۰۹۳۸	۹۹۴۹
۱۹۹۸	۱۰۹۳۸	۵۳۲۱
۱۹۹۹	۵۷۳۶	۶۱۶۴
۲۰۰۰	۴۲۲۷	۶۹۲۰
۲۰۰۱	۵۷۱۷	۴۴۵۳

در مجلات تجارت تنباکو، این مطلب تصدیق شده است که مقصد نهایی این سیگار قبرس یا یونان نیستند، بلکه غالباً ایران و عراق هستند؛ قبرس یک نقطه انشعاب مهم برای سیگارهای آمریکایی است که از طریق واسطه‌های عمان به ایران می‌رود. در یک زمان، بعضی از این سیگارها به دلایلی ترک فروخته می‌شود تا به عراق برده شود و: سیگارهای وارد شده به بیروت بین دلالها پخش می‌شود و به کشورهای مختلفی در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌رود ... بنظر می‌رسد که اکثر مشتریهای سیگارهای پخش شده از لبنان، در ایران و عراق هستند ... از بیروت به دویبی یا عمان و بعد به ایران، مسیری است که بعضی سیگارهای آمریکایی که برای لبنان بارگیری شده بودند، طی می‌کنند. کامیونها این راه را از طریق سوریه برای رسیدن به بازار آزاد در عراق و خصوصاً در موصل (عراق) طی می‌کنند. نه تنها کمپانیهای آمریکایی به قبرس سیگار صادر می‌کنند، شرکت دخانیات بریتانیا بطور قابل توجهی صادرات خود را به قبرس افزایش داده است و از حدود ۸۹ میلیون سیگار در سال ۱۹۹۶ به ۵۴۰۴ میلیون در سال ۲۰۰۰ رسانده است.

در نهایت، شرکت دخانیات یونان هم در سالهای اخیر میزان صادرات خود را به خاورمیانه افزایش داده است، بطوریکه در جدول ۳ این قضیه نشان داده شده است. شرکتهای چندملیتی مثل JTI-BAT-Philip Morris حدود نصف صادرات سیگارهای یونان را تشکیل می‌دهند. (جدول ۳)

جدول ۳. صادرات سیگار از یونان به ترکیه، قبرس و اردن در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ (تن)

کشور	۱۹۹۹	۲۰۰۰
ترکیه	۱۷۲۰	۴۱۴۴
مصر	۱۳۳۸	۲۶۰۸
اردن	۲۱۹۸	۲۰۴۱

بسیاری از سیگارهای یونانی که توسط دلالهای ترانزیت ترکیه‌ای خریداری می‌شوند به مشتریهای ساکن در کشورهای خاورمیانه فروخته می‌شوند. کامیونهایی که از طریق Silopi از خاک عراق می‌گذرند شاید حدود یک سوم سیگارهای یونانی باشند که مقصدشان ترکیه است. ایران یک بازار مصرف بزرگ دیگر برای سیگارهای یونانی است. دلالها در ترکیه، قبرس و بعضی دیگر کشورها، سیگارها را به دلالهای خرده‌پا در ایران می‌فروشند.

ترکیه دارای یک نقش هدایتی سیگار و سایر کالاها برای واردات عراق است ... سیگارهای کارخانه‌های یونانی (شامل چند نام تجاری شرکت‌های آمریکایی) جای خالی سیگارهای آمریکایی را در دو سال اخیر در عراق پر کرده است ... بسیاری از سیگارهایی که توسط کامیونهای عبوری از Silopi وارد عراق می‌شوند با محصولات نفتی معاوضه می‌شوند. در عراق سیگار از کشورهای مختلف مثل قبرس-امارات-عمان-جمهوری روسیه و اروپا وجود دارد ولی بنظر می‌رسد ترکیه راه اصلی ترانزیت سیگار به این کشور است.

در سال ۲۰۰۱، تولید داخلی سیگار در عراق حدود ۵۷۰۰ میلیون سیگار تخمین زده شد و واردات آن ۱۰۷۰۰ میلیون بوده. (جدول ۴)

جدول ۴. عراق: برآوردی از سیگارهای وارداتی برحسب کمیت بین سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۱ (میلیون نخ)

سال	ترکیه	یونان	مصر	ترانزیت اردن	سایر ترانزیتها	کل ترانزیتها
۱۹۹۰	۴۰۰	۱۷۰	۲۰۰	۲۳۰۰	۹۸۰	۴۰۵۰
۱۹۹۱	۶۰۰	۳۰۰	۲۲۰	۱۱۰۰	۹۵۰	۳۱۷۰
۱۹۹۲	۵۰۰	۴۳۰	۲۹۰	۹۰۰	۷۰۰	۲۸۲۰
۱۹۹۳	۹۰۰	۳۷۰	۳۴۰	۶۶۰	۵۰۰	۲۷۷۰
۱۹۹۴	۱۱۰۰	۳۵۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۷۵	۳۰۲۵
۱۹۹۵	۱۲۵۰	۳۰۰	۶۶۰	۶۰۰	۵۰۰	۳۳۱۰
۱۹۹۶	۱۳۰۰	۴۵۰	۷۸۰	۸۰۰	۴۰۰	۳۷۳۰
۱۹۹۷	۱۶۰۰	۵۰۰	۸۰۰	۷۰۰	۷۰۰	۴۳۰۰
۱۹۹۸	۲۰۰۰	۸۰۰	۹۷۰	۹۰۰	۱۸۰۰	۶۴۷۰
۱۹۹۹	۲۵۰۰	۱۲۰۰	۱۱۰۰	۱۳۰۰	۲۶۰۰	۸۷۰۰
۲۰۰۰	۲۸۰۰	۲۰۹۵	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۳۶۰۰	۱۰۸۹۵
۲۰۰۱	۲۹۰۰	۳۲۰۰	۷۰۰	۱۱۰۰	۲۸۰۰	۱۰۷۰۰

منابع سیگار وارداتی شامل یونان (۳۲۰۰ میلیون)، ترکیه (۲۹۰۰ میلیون)، اردن (۱۱۰۰ میلیون)، قبرس (۷۰۰ میلیون) و سایر واردات (۲۸۰۰ میلیون) بوده است.

۴-۲ دادخواهیها

در پی واکنش قانونی بر علیه بسیاری از کمپانیهای بین‌المللی تولید سیگار، دادگاه ناحیه‌ای EU در محدوده شرقی نیویورک، در ژانویه ۲۰۰۲ مدارک زیر برای قاچاق سیگار به داخل عراق ارائه نمود:

از اوایل دهه ۱۹۹۰، کمپانی‌های سیگارسازی آمریکایی محصولات خود را از آمریکا و از طریق اروپا به عراق پخش کرده‌اند. بعنوان مثال، سیگارهای تولید شده در آمریکا طی سالهای طولانی توسط کشتی به برخی از کشورهای شهرهای اتحادیه اروپا شامل Valencia در اسپانیا و از آن طریق به کمپانیهای خودشان در قبرس شامل Audeh فرستاده شد. در واقع، از سال ۱۹۹۶ حدوداً ۵,۰۰۰,۰۰۰ بسته بزرگ سیگار (۵۰ بیلیون نخ سیگار) توسط شرکت RJR (یا شرکت تجاریش، دخانیات ژاپن) به قبرس فرستاده شد. حدود نیمی از سیگارها به Mersin ترکیه صادر شد. طی سالهای طولانی، نمایندگی شرکت RJR در Geneva اجرا کننده این روند قاچاق به شرکت Audeh در قبرس بود و طی این سالها میلیونها نخ سیگار Winston جایجا شد.

قسمتی از برنامه بر این قرار بود که بطور دروغین اعلام کنند کالاها به مقصد دیگر صادر می‌شوند (مثلاً به روسیه)، در حالیکه در اصل کالاها به مقاصد دیگری خارج از قبرس و روسیه (مثلاً به عراق) می‌رفتند. به طور قطع بیان وسعت برنامه‌های انجام گرفته عراق آمیز بنظر می‌رسد به طوریکه تا آگوست ۱۹۹۹ در طی زمانی که RJR و دخانیات ژاپن مسئولیت اجرای این برنامه را به عهده داشتند - حدوداً ۵۷۰,۰۰۰ بسته بزرگ سیگار (یا ۵/۷ بیلیون نخ سیگار) از طریق قبرس به سایر کشورها توزیع شدند. قاچاق درصدی از آن سیگارها از طریق بنادری در اتحادیه اروپا (مانند والنسیا در اسپانی) انجام شد. همانطوریکه در زیر نشان داده شده بسیاری از این کالاها به مقصد عراق صادر می‌شدند.

RJR و دخانیات بین‌المللی ژاپن صدها کانتینر مملو از سیگار را از طریق پورتوریکو به والنسیا، لیماسل در قبرس، بیروت در لبنان، مرسین در ترکیه پخش کردند و سپس سیگارها به داخل کامیونها تخلیه شده و به مرز Habur برده شدند تا در داخل عراق فروخته شوند. این برنامه حداقل از آگوست ۱۹۹۹ انجام می‌شود، از زمانی که RJR برنامه‌های دخانیات ژاپن را با عقد یک قرارداد، انجام می‌داد. بعنوان مثال، روند زیر نشان می‌دهد که چگونه گروه RJR و دخانیات ژاپن محصولات را در آمریکا تولید کرده و به اسپانیا و سپس قبرس حمل می‌کنند و در نهایت در عراق تحویل می‌دهند.

مراحل این برنامه بصورت زیر خلاصه می‌گردد:

- ۱- دخانیات ژاپن که در پورتوریکو واقع شده و فعالیتهای خود را با مجوز RJR انجام می‌دهد، کانتینرهای Winston را از آمریکا به والنسیای اسپانیا از طریق کشتی می‌فرستد.
- ۲- در اسپانیا، کانتینرها تخلیه و مجدداً بارگیری می‌شوند که البته با استفاده از امکانات بنادر اسپانیا و کشتیهای آنجا و سپس از اسپانیا به قبرس فرستاده می‌شوند.
- ۳- در قبرس، کانتینرها باز می‌شوند و سیگارهای Winston مجدداً به کانتینرهای دیگر بارگیری می‌شوند.

۴- در مرحله بعد، کانتینرهایی که شامل سیگارهای Winston هستند از قبرس صادر می‌شوند و اینطور عنوان می‌کنند که مقصد نهایی آنها "روسیه" می‌باشد.

۵- پنج کانتینر ۴۰ فوتی شامل سیگارهای Winston (بسته شده در ۵۳۴۰ بسته بزرگ) به لبنان و سپس به ترکیه حمل می‌شوند.

۶- این ۵ کانتینر سپس از طریق زمین از ترکیه به مرز مشترک Habur و سپس داخل عراق حمل می‌شوند. ادعاهای اتحادیه اروپا در مورد مسئله قاچاق به عراق توجه رسانه‌ها را بخود جلب کرده است، و در حالیکه یک کمپانی آمریکایی بیلینونا سیگار را به عراق می‌فرستد، این کشور تحریم شده است و از طرف دولت آمریکا، عراق بعنوان یکی از دشمنان درجه اول شناخته می‌شود. این دادخواهی منجر به چاپ این سرمقاله در روزنامه Washington Post شد:

سازمانهایی که تصمیمات قانونی آمریکا را نقض می‌کنند معمولاً نمی‌توانند توقع همراهی از طرف بوش را داشته باشند و همینطور گروههایی که با گانگسترهای روسی یا باند‌های مواد مخدر کلمبیا همساز باشند. اگر ادعایی که اخیراً توسط ده کشور اروپایی اذعان شده است در دادگاه ناحیه‌ای نیویورک پذیرفته شود، که این امر شامل دارندگان RJR هم می‌شود، RJR اخیراً قاچاقهایی انجام داده که شامل هر سه جرم اخیر می‌شود. در این صورت، دولت بوش اصرار بر حمایت از RJR و سایر کمپانیهای بزرگ سیگارسازی در مذاکرات بین‌المللی کنترل دخانیات که توسط WHO انجام می‌شود، دارد.

در مقاله صفحه اول روزنامه مالی آمریکا، Wall street، ادعای اتحادیه اروپا بصورت زیر آمده است: طبق نتایجی که تحقیقات اتحادیه اروپا نشان می‌دهد محصولات RJR که در داخل عراق فروخته می‌شوند بصورت وحشتناکی از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ در حال افزایش است، که تعداد زیادی از اینها، سیگارهایی هستند که در پورتوریکو تولید می‌شوند. مدارک مربوط به این جابجاییها نشان می‌دهند: قانون آمریکا پنخس چنین محصولاتی را به کره شمالی-ویتنام-عراق و کوبا منع می‌کند، مگر اینکه توسط آمریکا نهاد دیگری صاحب این قدرت گردد. در ماههای اخیر، دخانیات ژاپن برای بار اول این اجازه را از سازمان ملل متحد (UN) گرفت تا سیگارها را به عراق بفروشد. این فروش بر خلاف قانون آمریکا نیست، چون این کمپانی محصولات خود را در پورتوریکو بسته‌بندی می‌کند و فقط گیاه تنباکو متعلق به خاک آمریکا است. سیگارهای دخانیات ژاپن که به عراق فرستاده می‌شود، در حال حاضر در اروپا ساخته می‌شوند. این سیگارها هنوز به منطقه کردنشین شمال عراق می‌روند. بهر حال، مقصد نهایی آنها نامشخص می‌باشد. در حال حاضر مشخص شده است که بسیاری از این سیگارها به داخل ایران قاچاق می‌شوند، جائیکه بسیاری از بازرگانان بازار بهتری نسبت به بغداد در نظر می‌گیرند. هر روزه، کردهای جوان با کوله‌پشتی‌های کرباس خود که پر از کارتن‌های سیگار است از کوههای مرزی می‌گذرند تا این سیگارها را وارد ایران کنند. این قضیه متوقف نشده و در جریان است، این جمله را یک کرد که شاهد حرکت این گونه کردها با کوله‌پشتی‌های خود در ارتفاعات در ماه گذشته بوده می‌گوید و اضافه می‌کند آنها برای هر سفر خود ۱۰ دلار دریافت می‌کنند. بر طبق مدارک UN، دخانیات ژاپن این اجازه را دریافت کرده که ۴۰۱۰۰۰ مورد بزرگ از

Winchester, Magna, Winston - بیش از ۵ بلیون سیگار - را به Kani که شرکت دخانیات انحصاری کرده است از طریق آقای Audeh و یک پخش کننده ترک بفروشد.

سخنگوی حزب دمکرات کردستان (KDP) اذعان می کند که مقدار دخانیاتی که دخانیات ژاپن درخواست کرده بسیار زیاد است و بیش از ۳/۷ میلیون نفر کرد می توانند سیگار بکشند. "شما حتی می توانید نوزادان را در گهواره شان در حال سیگار کشیدن ببینید". سؤال شد که از نظر شما این سیگارها در نهایت به کجا می روند و Guy Cote سخنگوی دخانیات ژاپن در Geneva می گوید: "من هیچ اطلاعی ندارم".

در ۳۰ اکتبر ۲۰۰۲، اتحادیه اروپا (EU) و ۱۰ عضو ایالت دادخواست دیگری را بر علیه RJR ارائه دادند. این دادخواست جدید EU بسیار فراتر از موارد قبلی بود و RJR را متهم به نه تنها همدستی مستقیم در برنامه های مالی کرد بلکه سایر طرح های جنایتکارانه را نیز به آنها نسبت داد. ادعاهایی که بر قاچاق سیگار به داخل عراق می شد بتفصیل بیشتری شرح داده شد، بطوریکه در زیر نشان داده شده:

در طی دهه ۱۹۹۰، مدافعان RJR جرایم بیشماری را انجام دادند که مهمترین آنها اکتساب مقدار زیادی پول با فروش سیگارهای ساخت آمریکا به عراق، بر خلاف قانون آمریکا بوده است. ابزارهایی که توسط آنها این ثروت بدست آمد شامل موارد زیر می شد: مدافعان RJR یک رابطه طولانی مدت با شخص شناخته شده ای بنام Issa Audeh برقرار کردند. این شخص سابقاً کارمند شرکت بین المللی دخانیات RJR بوده است. در طی دهه ۱۹۸۰ میلادی، Audeh مدیریت شاخه خاورمیانه و خاور نزدیک را برای RJR بدست آورد. در حوالی اواخر دهه ۱۹۸۰ یا اوایل ۱۹۹۰ این شخص یک گروه از کمپانیها را که در قبرس واقع شده بودند تشکیل داد که شامل "بازرگانی Audeh" و "سرویس مشاوره ای" و "بازرگانی IBCS" و شرکت سهامی محدود پخش (IBCS) بود.

در اواخر سال ۱۹۸۹ و اوایل سال ۱۹۹۰، مدافعان RJR و Issa Audeh به یک توافق رسیدند تا شخصی بنام عبدالحمید دمیرچی برای پخش محصولات RJR در عراق در نظر گرفته شود. بدین ترتیب از طریق همکاری شرکت Liechtenstein که متعلق به او بود و Tradinter Middle East Development Establishment، دمیرچی با RJR و Audeh مشغول بکار شد تا محصولات و نام محصولات RJR را در عراق گسترش دهد. در پائیز سال ۱۹۹۰ و بعد از حمله عراق به کویت، دمیرچی مدیریت فروش سیگارهای خود را با تأیید RJR به اردن منتقل کرد تا بازار عراق را از عمان در دست بگیرد. مدافعان RJR از طریق مدیر یا کارمند خود، Edward Touma، بعنوان کارمند بخش فروش محصولات RJR در خاورمیانه و خاور نزدیک، از طریق مکاتبه و یا ارتباطات تلفنی با دمیرچی، روندی را برنامه ریزی کردند که طی آن دمیرچی سیگارهای RJR را از Audeh در قبرس تحویل بگیرد. گاه هنگامی که دمیرچی به محصولات بیشتری از RJR نیاز داشت، بیش از آنکه Audeh بتواند آن را تأمین کند، این سیگارها مستقیماً از طریق RJR به او داده می شد. برای مثال، در ژوئن ۱۹۹۱، مدافعان RJR بطور مستقیم هفت بار کامل هواپیما که شامل حدود ۱۷۰۰۰ جعبه بزرگ از سیگارهای RJR بود را به دمیرچی فروختند و فرستادند. (در هر جعبه بزرگ حدود ۱۰۰۰۰ سیگار وجود دارد). بین مارس ۱۹۹۱ و سپتامبر ۱۹۹۲، دمیرچی حداقل ششصد هزار جعبه بزرگ سیگار، از Audeh و یا مستقیماً از RJR خرید.

بین سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵، توافق فوق‌الذکر به قوت خود باقی ماند و دمیرچی بعنوان پخش کننده و مجری اصلی محصولات RJR در عراق ایفای نقش کرد. در طی این زمان، بلیونها دلار از سیگارهای RJR توسط دمیرچی از مدافعان RJR خرید و در سطح عراق فروخته شد.

ادعاهای EU در مورد قاچاق در عراق در رابطه با این روشهای شناخته شده از برنامه قاچاق سیگار می‌باشد:

- صادرات بلیونها سیگار متعلق به تولیدکنندگان بزرگ تنباکو
- استفاده از راههای حمل و نقل پیچیده به جهت دشوار کردن پیگیری و تحقیقات
- بارگیریهای مکرر و برداشتن علائم و ارقام از محصولات برای جلوگیری از پیگیری
- هر از گاهی تعویض حسابهای بانکی برای پنهان کردن فعالیتها
- اداره کردن عملیات از هلند، کشوری که توسط رازداری سیستم بانکی و قوانین خصوصی کار حفاظت شده است.

• دور از دسترس بودن کمپانیها که در Liechtenstein واقع بودند.

• استفاده از بنادر آزاد تجاری مثل Mersin در ترکیه

در دادخواست EU علیه RJR، مهمترین محرک در پشت قاچاق-مسابقه برای سهم بازار-در اوایل این مدرک توصیف شده است: در طی دهه ۱۹۹۰ میلادی و تا به امروز، مدافعان RJR اقدامات بسیاری را انجام داده‌اند تا سهم بازار خود را افزایش دهند و بتوانند فروش محصولات خود را در جهان گسترش دهند.

برای نیل به این هدف، مدافعان RJR بطور فعال محصولات خود را به جنایتکاران و یا گروههای جنایتکاران می‌فروشند، زیرا پرداخت پول توسط آنها از طریق است که پیگرد قانونی ندارد..... مدافعان RJR در حال کنترل-هدایت-تهیج-حمایت و امکانات دادن به ایادی هستند که مشغول خرید محصولات آنها می‌باشند. مدافعان RJR با این گروهها مستقیماً یا غیرمستقیم در حال همکاری بوده و در حال فروش سیگارها به افرادی هستند که یا آنها می‌شناسند و یا دلایل متعددی در دست دارند که این گروهها می‌توانند این خریده‌ها و اقدامات را برایشان انجام دهند. با انجام این کارهای غیرقانونی مدافعان RJR برای خودشان منافع بیشماری بدست آوردند. این منافع بدون محدودیت از راههای زیر بدست آمد:

الف) مدافعان RJR فروش خود را افزایش دادند چون آنها مشتریان جدیدی داشتند که از منابع مالی و تشکیلات خلافکاری جدیدی برخوردار بودند.

ب) مدافعان RJR سود مابه‌التفاوت خود را افزایش یافته دیدند چون تشکیلات خلافکاران را مجبور کردند که از ابتدا پولی را به آنها بپردازند و یا این هدف را برای این تشکیلات مشخص کردند تا بیشتر بفروشند و بیشتر سرمایه دریافت کنند این کار برای RJR بیش از وامهایی که در اختیار مشتریان قانونی می‌گذاشتند ارزش داشت.

ج) مدافعان RJR سهام بازار خود را از راه وارد کردن زیان ناشی از رقبایشان بر دوش مشتریان، افزایش دادند.

د) مدافعان RJR حجم تولید خود را افزایش دادند در حالیکه حجم تولید رقبا را کاهش دادند.

صنعت دخانیات همیشه این ادعا را داشته که مالیاتهای بالا عامل اصلی قاچاق می باشد. بهرحال، همانطور که مجله بازرگانی Tobacco International در مقاله خود در مورد عراق ذکر کرده است: هیچ مالیاتی بر سیگارهای عراق بسته نشده است. درآمد دولت حاصل از درآمد نفتی، کوشش دولت را برای جمع آوری این مالیاتها کاسته است. قاچاق در عراق در اثر مالیات بالا نیست، بلکه بر اثر رقابت کمپانیهای سیگارسازی برای افزایش سهم بازار در صحنه رقابت بین المللی است.

RJR و JTI تنها کمپانیهایی نیستند که در قاچاق به عراق مقصر شناخته می شوند. تقریباً هزار پلیس و مأمور گمرک به دفتر بخش دخانیات هامبورگ در آلمان حمله ور شدند. Reemtsma Tob در چهاردهم ژانویه ۲۰۰۳، با این شک که این تولیدکننده، که صاحب آن Imperial Tobacco Group است، کانالی است برای فرستادن سیگار به بازار سیاه و بازار عراق این اقدام را مرتکب شدند.

تحقیقات بر روی حداقل یکی از اعضای هیئت رئیسه و بسیاری از معاونین عملیاتی انجام شد. گزارش اولیه که از بیانات مأمور تحقیق در Essen برآمده است، می گوید: شرکت Reemtsma میلیونها سیگار بدون مالیات را از طریق بنادر آلمان به کشورهای جهان سوم می فرستد و دوباره آنها را بصورت قاچاق وارد آلمان می کند. یکی از این مقاصد عراق است. این کمپانی نه تنها برای فرار مالیاتی و اختلاس مالی مورد تحقیق قرار گرفت بلکه برای قانون شکنی مورد پیگرد قانونی واقع شد.

۴-۳ مدارک داخلی صنعت دخانیات

مدارک داخلی صنعت دخانیات همچنین قبرس را بعنوان یک نقطه ترانزیت سنتی برای عبور سیگار به داخل خاورمیانه ذکر کرده است. مدارک بدست آمده از "مرکز هماهنگ سازی عمومی" نشان می دهد که از سال ۱۹۷۶ یکی از شاخه های کمپانی BAT بنام Brawn & Williamson سرویس Kental، یک سرویس بازرگانی قبرسی، را برای بدست گرفتن DNP یا ترانزیت سیگار بداخل اتیوپی-اردن-سومالی-سودان-جمهوری عربی سوریه-ترکیه-یمن و همینطور با امید به باز کردن راههای ایران و عراق، استخدام کرد.

همکاری طولانی مدت BAT و Br & will در عملیاتی که مدارک خودشان نشان میدهد یک کار غیرقانونی بوده و زمانی برملا شد که دو تشکیلات جداگانه در سال ۱۹۸۳ که شامل بازرگانی Kental و عاملین روستایی محلی بودند، برسر مسئله قاچاق به داخل لبنان دچار درگیری شدند.

اولین بحث در مورد ۲۹۷۰ بسته از سیگارهای BAT بود که توسط بازرگانی Kental به داخل لبنان قاچاق شد. BAT با بازرگانی Kental قرارداد بسته بود که به یک بازرگان لبنانی بنام Khanamirian مبلغ ۲ دلار برای هر جعبه که وارد لبنان می شود بپردازد. در آن زمان Khanamirian عضو تشکیلات انحصاری تحت نظارت دولت برای دخانیات بود. مدارک بدست آمده نشان می دهد Khanamirian در سال ۱۹۸۳ از عدم دریافت حق کمیسیون خود شاکی بود. BAT این مشکل را در مارس ۱۹۸۳ با پرداخت حق او از حساب شرکت حل کرد. BAT بعد از آن بازرگانی Kental را

برای بازپرداخت جریمه کرد. مدارک BAT نشان می‌دهد که Khanamirian برای فراهم کردن ترانزیت بداخل لبنان پول دریافت کرده بود.

بحث دوم زمانی اتفاق افتاد که در سال ۱۹۸۴ در اواسط جنگ داخلی لبنان مسئول Bro & Willi در لبنان Albert Abela بعنوان فروشنده سیگارهای DNP در لبنان و سوریه شناخته شد.

در ارتباط با اینکه Abela در حال فروش سیگارهای DNP در محدوده خودش بود، بازرگانی Kental به Braw & Willi نوشت:

عامل شما در لبنان نباید چه مستقیم و چه غیرمستقیم درگیر مسئله باشد چون دخالت در امر ترانزیت، یک امر غیرقانونی و جرم جنایی در لبنان محسوب می‌شود. وقتی همه چیز عادی شد، Abela و Bro & Willi هر دو از عواقب این کار تحت تأثیر قرار گرفته و در لیست سیاه قرار می‌گیرند. این همان دلیلی است که Philip Morris, RJ Reynolds و سایر کمپانیها هرگز عوامل لبنانی خود را مستقیم یا غیرمستقیم در مسئله ترانزیت وارد نکردند.

این نامه بسیار جالب است و دلالت بر آن دارد که دلالت می‌داند که کار ترانزیت غیرقانونی بوده و وجود ارتباط مستقیم بین صنعت ترانزیت و کمپانیهای سیگارسازی عاقلانه نیست. در یک ارتباط داخلی در Bro & Willi بین wl telling, RJ Pritchard در مورد مسئله Abela Telling از همان موضع دفاع کرد:

شاخه همچنان نگران است که Bro & will در معرض یک خطر قابل ملاحظه به دلیل فروش محصول به یک عامل دولتی در لبنان قرار گرفته است، کسی که مستقیماً با DNP قبرس سابقه ارتباط دارد. Bro & will تنها تولیدکننده بزرگ است که در معرض این اتهام قرار گرفته است و شاید از انجام بازرگانی در داخل لبنان منع شود. اگر سوریه یا مسلمانان اصلاح طلب کنترل قدرت را در دست بگیرند و کارهای اساسی با Regie انجام دهند یا ترانزیت را کاهش دهد.

Brown & Williamson عملیات ترانزیت سیگار در لبنان را بسیار دقیق تحت کنترل داشتند: سیگارهایی که به Kental و Pelligrini (وابسته به شرکت Abela) فرستاده می‌شوند، بطور جداگانه کدگذاری می‌شوند و به تبع آن در بازار فروش براحتی قابل شناسایی خواهند بود. این امر بر خلاف هدف تجاری Brown & Williamson بود و بدین علت اعلام نمودند که بازار ترانزیت لبنان برای حمایت از فعالیتهای دو عامل توزیع مناسب نمی‌باشد.

نظارت بر نحوه ترانزیت از طریق پیگیری کدهای روی بسته‌های سیگار در بازارهای خاص خیلی غیرعادی نبود ولی اهمیت این مسئله در یکی از نامه‌های BAT چنین عنوان شده است "کسانی که بطور عمده از محصولات ما خرید می‌کنند بسیار محتاط هستند و در بازار غیرقانونی من می‌توانم به آنها در مورد صحت کدهای موجود روی بسته‌های سیگار تضمین دهم".

در یک مکاتبه دیگر، خصوصیت ظریف "ترانزیت" و تجارت DNP در لبنان مورد توجه قرار گرفت. در یک مکاتبه داخلی از Bro & Willi بین JR Anders, WI Telling توصیه‌های زیر داده شد:

ما هشدارهایی از Regie دریافت کردیم، حداقل ۲ بار در سال در مورد انبار DNP. همراه با هزاران بسته L&M chester field و سایر انواع که از طریق DNP در لبنان بفروش می‌رسند، من خوشحال خواهم شد اگر دو کانتینر از KDL عامل آخرین هشدار Regie برای تولیدکنندگان باشد.

بنظر می‌رسد قاچاق به جمهوری عربی سوریه از طریق لبنان انجام شده باشد. غالباً از راه قبرس، همان‌گونه که در یک یادداشت از بازرگانی با مسئولیت محدود Kental توضیح داده شد: "بدین ترتیب در سال ۱۹۷۶ ما از طریق قبرس به لبنان و سوریه حرفه ترانزیت را وارد کردیم و یک برنامه بسیار مناسب و مطالعه شده را برای پوشش تمام قلمروی لبنان و سوریه انجام دادیم". تمام فروش از طریق قبرس به لبنان و سوریه که توسط کمپانیهای سیگارسازی در دوره ۱۹۷۶ تا ژوئن ۱۹۸۴ برآورد شده که حدود ۳۸/۶ بیلیون سیگار بوده است (۲۷ بیلیون از فیلیپ موریس، ۴/۴ بیلیون از RJR و ۵/۲ بیلیون از Brown & williamson).

در یک مدرک از Emil Schildt (همهانگ کننده BAT در هامبورگ) در مورد کمپانی World wide corporation بنام Charles Had Kinson، اشاره شده است که:

Charles Hadkinson اذعان داشته که مقصد برای اولین فرآورده BHSF (Benson & Hedges Special Filter)، سوریه است. همانطور که مشخص است کشور سوریه فقط یک شرکت دخانیات بنام Regie دارد که این شرکت امکانات مالی برای وارد کردن سیگار بصورت قانونی ندارد. اگرچه CH عنوان کرده که توانایی وارد کردن غیرقانونی سیگار بداخل بازار سوریه را بطور مثال از طریق laLattakia/Syria دارد، هر چند این امر در عمل امکان پذیر نیست. تنها راه در این مورد فقط از طریق لبنان امکان پذیر است.

در اسناد داخلی BAT هر دو راههای ممکن و غیرممکن غیرقانونی به سوریه توصیف شده‌اند.

۵- تردید در استراتژی بازاریابی: واردات قانونی یا غیرقانونی

هدف هر کمپانی، فروش بیشتر محصولات خود و بدست آوردن سود بیشتر است. ایجاد بازارهای جدید و افزایش سهم بازار از این محصولات قسمتی از استراتژی رسیدن به این هدف است. یک مانع برای کمپانیهای چندملیتی دخانیات محدودیتهای تجارت و موانع آن است. بعضی بازارها بروی کمپانیهای بیگانه بسته هستند و یا فقط به سیگارهای وارداتی تحت محدودیتهای خاصی اجازه وارد شدن می‌دهند. واردات قانونی شاید، بعنوان مثال، فقط زمانی قانونمند شود که تعرفه‌های گمرکی واردات از پرداخت یا از طریق برنامه‌های اعطای امتیاز گران قیمت امکان پذیر شود و این منجر به واردات قانونی کالاها در فرم غیررقابتی شود. دوری جستن از محدودیتهای واردات شاید منجر به میزان بالای واردات گردد. کمپانیهای دخانیات فرض می‌گیرند که این میزان قاچاق ماورای کنترل آنهاست بطوریکه آنها مسئول سیاستهای مرزها نیستند. در موارد بالا بودن تعرفه‌های گمرکی یا انحصار دولتها، سیگارهای بین‌المللی به داخل کشور قاچاق شده، و انحصار هر دولت را تضعیف می‌کنند و بازار را به دست شرکتهای چندملیتی منتقل می‌کنند. انتخاب بین استفاده از واردات قانونی یا غیرقانونی برای ایجاد کردن بازارهای جدید غالباً در مدارک صنعت دخانیات مورد بحث قرار می‌گیرد.

در یک مدرک مربوط به کمپانی Sorepex (کمپانی که BAT با آن ارتباط نزدیک در آفریقا دارد) به BAT، دو امکان برای صنعت ترانزیت در چاد بحث شده است: یا صنعت ترانزیت با اجازه قانونی، که می‌تواند قیمت سیگارها را غیررقابتی کند، یا صنعت ترانزیت بدون اجازه قانونی که به معنای جابجایی غیرقانونی پول است. در یک گزارش BAT در مورد وضعیت در ویتنام، مزیت‌های واردات قانونی و غیرقانونی بصورت زیر توصیف شده‌اند:

واردات سیگار ۶ سال پیش ممنوع شد. فروش قاچاق به داخل ویتنام در حال حاضر سالانه حدود ۷ بلیون برآورد می‌شود. SE 555 (تولیدی آمریکا) شایعترین نوع سیگار قاچاق است و هیچ شکمی نیست که این محصول طرفداران خوبی دارد و در کشور به آسانی به فروش می‌رسد. BAT نسبت به تولید ۵۵۵ در داخل ویتنام مقاومت می‌کند که این امر بخاطر نگرانی در مورد توانایی برای فروش این محصول بعنوان یک جنس داخلی و اثرات محتمل از یک اجازه قانونی خارج از ویتنام است. بهر حال Vinataba (کمپانی دولتی دخانیات ویتنام) اعتقاد دارد که صدور مجوز برای ۵۵۵ یک فرصت خوبی برای JV است و اعتقاد دارد که مخالفت BAT برای این مجوز فقط بخاطر حفظ صنعت قاچاق می‌باشد.

در یک مدرک BAT که برآورد نموده است که کل بازار سیگار در خاورمیانه حدود ۱۰۸ بلیون سیگار می‌باشد، این مطلب آورده شده است:

ایران-عراق-سوریه و لبنان انحصار دولتی بر تولید سیگار دارند و در سوریه و لبنان این انحصار برای واردات هم وجود دارد... لبنان اجازه واردات آزاد و سوریه اجازه ورود به حجمهای محدود را می‌دهد در حالیکه در ایران یک تحریم کامل حکمفرماست. علی‌رغم این یا بخاطر این ۶۲٪ بازار ایران از ترانزیت تغذیه می‌شود.

محدودیتها یا ممنوعیتها بر واردات ایجادکننده موانع برای تصرف کردن بازارهای مخصوصی هستند. در یک سند مربوط به جلسه کمپانی BAT در مورد ترانزیت که در تاریخ ۱۶ می ۱۹۸۷ برگزار شد، راههای مختلف تجارت در خاورمیانه بررسی شد. این راهها یا بصورت قانونی (و پرداخت مجوز واردات) یا غیرقانونی (از طریق ترانزیت) مورد استفاده قرار می گیرند. درخواست برای واردات قانونمند سیگار به سودان می توانست رد شود.

... چون این مسئله غیرمحمول بود که مشتریان Kental (کمپانی که BAT با آن در قبرس کار می کند) مجوزهای قانونی را بدست بیاورند... اگر فرصتهایی برای ترانزیت سیگار به داخل عراق هست باید انجام گیرد. اگر فرصتهایی برای ترانزیت به داخل ایران هست باید انجام گیرد. اردن-کشوری که در آن فرصتها برای تحقق واردات قانونی و سرمایه گذاری کامل قبل از اینکه ما جستجوی فرصت برای ترانزیت را انجام دهیم.

فرد مسئول محوری در این جلسه ترانزیت Emil Schildt بود. این شخص از طرف BAT در سال ۱۹۷۲ بعنوان هماهنگ کننده ترانزیت منصوب شده و دفاتری در هامبورگ دارد. کمپانی بخوبی آگاه بود که صنعت ترانزیت یک کار انتصابی است.

شاخه آلمان BAT اصرار داشت که ES نباید دفتر خود را در دفتر هامبورگ BAT باز کند... یکی از دلایل اصلی که این دفتر نباید وابسته به BAT باشد این بود که، مشتریان می توانند براحتی با دفتر هامبورگ در تماس باشند، بدون اینکه BAT مستقیماً درگیر این مسئله باشد.

مشکل اصلی برای کمپانیهای بین المللی تنباکو این بود که چطور با محدودیتهای تجاری برخورد کنند: یک راه حل واردات غیرقانونی بود، ولی همکاری بیشتر با انحصار دولتی راه حل دیگری بود. در حالیکه در کوتاه زمان می توان بصورت غیرقانونی کار را شروع کرد، هدف نهایی در درازمدت ایجاد یک کار قانونی است.

یک سند متعلق به کمپانی (یا شرکت) BAT نشان می دهد که مسئله کلیدی برای BAT جهت پیشبرد اهداف خود و استفاده از فرصتها در ایران و عراق، براه انداختن یک کار معاف از مالیات و سپس بدست گرفتن ابتکار عمل از طریق مجوزها و کارهای دیگر می باشد.

در طرح ایران در سالهای ۱۹۹۴-۱۹۹۲، BAT آورده است:

در ۱۸ فوریه ۱۹۹۱، شورای عالی اقتصاد ایران اعلام کرد، بازار ایران برای واردات مستقیم تنباکو و سیگار آزاد است و بنابراین انحصار ITC در هم شکست. بهرحال پیشرفت کمی تا بحال انجام گرفته است. تمام محصولات وارداتی که به بازار وارد می شود از طریق دویی به بنادر جنوبی ایران و یا از راه ترکیه و از قبرس می باشند. از این مکانها این کالاها توسط اتوبوس یا کامیون به انبارهای بزرگ در اطراف شهرهای بزرگ حمل می شوند. همانطور که این فعالیتها بعنوان قاچاق در نظر گرفته می شوند، چیزی از روند پخش روشن نیست، بهرحال، تمام انواع خصوصاً Winston, Marlboro بخوبی در هنگام فروش در معرض دید قرار می گیرند.

یک مشکل اضافی برای BAT، حضور قوی RJR در بازار غیرقانونی ایران بود. این حضور غیرقانونی Winston در ایران بخوبی مشهود بود. یک گزارش ۱۹۹۱ از رویتر ذکر می کند:

یک مقام رسمی از شرکت دخانیات ایران گفت سال گذشته ایرانیان ۳۰ میلیارد سیگار کشیده‌اند که بطور مساوی بین محصولات داخلی، واردات دولتی و واردات غیرقانونی که غالباً از راه خلیج فارس وارد می‌شوند، تقسیم می‌شود. با وجود سخت‌گیریها، گاهی "Winston قاچاق" در هر گوشه‌ای یافت می‌شود.

در سال ۱۹۹۴، RJR می‌خواست در داخل جمهوری اسلامی ایران سهم بازار غیرقانونی یا بدون مالیات به میزان ۶۸٪ داشته باشد که از این میزان حدود ۵۰٪ آن برای Winston و Magna در نظر گرفته شده بود. در برنامه کاری ۱۹۹۴، RJR در مورد مزایای قاچاق بدون مالیات و واردات مستقیم قانونی بعنوان راهکارهایی برای تسخیر بازار ایران بحث نمود.

قاچاق بدون مالیات:

- راه فرار بعلت نداشتن قدرت خرید، تنزل قدرت پول و کاهش قدرت ITC
- کانالهای خلیج فارس (جنوب) Mersin (شمال جدید)

واردات مستقیم و بستون:

- در حال حاضر تنها راه ممکن از طریق ITC است
 - تأیید دستور برای IBN برای سال ۱۹۹۴
 - وجود سودهای کمتر و ریسکهای مالی بیشتر
- هر دو موضوع در مورد سوریه هم در دستور کار RJR قرار گرفته بود:

سوریه:

- تولید داخلی بطور مشخص کمتر از میزان نیاز بازار باشد (حدود ۳۵٪) و درآمد بالا بدون مالیات و واردات مستقیم که در آگوست ۱۹۹۳ توصیه شده.
 - بجای نوع بدون مالیات ورود مستقیم را انتخاب کردند و اخیراً ۵۲٪ از سهم ورود مستقیم را دارند.
 - فراهم نمودن چشم‌انداز و جایگاه ممتاز در کشور و پیشرو بودن نسبت به تولیدات داخلی که این امر از طریق همکاریها و کمکهای خارج از کشور فراهم می‌شود.
- در سوریه، RJR صورت قانونی راه را پیش گرفت تا دولت را خوشحال کند.
- در ایران RJR در اهدافش پیشرفت می‌کرد و سیاست همکاری محلی را با ITC داشت:
- RJR نیاز دارد که سرمایه‌گذاری کند و یک دوست منحصر بفرد برای ITC در رشت و احتمالاً در تهران/هشتگرد باشد:

- تأثیر بر برنامه‌های کنترل بازار ITC
 - برای جلوگیری از اثرات Marlboro, PMI برای از بین بردن RJR و Winston.
- واردات غیرقانونی شاید یک انتخاب باشد برای ایجاد رخنه در بازار، ولی هدف نهایی در درازمدت باید واردات رسمی و تولید باشد.

استراتژی کمپانیهای تولیدکننده دخانیات در ایران به یک داستان موفق در سال ۲۰۰۲ تبدیل شد. سیاست گذاران صنعت دخانیات در یک مناقصه برای واردات، تولید و قطع قاچاق سیگار با چهار کمپانی سیگار سازی، تفاهم نامه امضاء کردند. این معاهده برای ژورنال تجاری Tobacco Reporter بسیار خوشایند بود: تحت این قراردادها، هر کمپانی اجازه دارد تا بصورت قانونی محصولات خود را وارد بازار به شدت کنترل شده دخانیات ایران کند. BAT و JTI همچنین این اجازه را دریافت کردند تا تولیدات خود را در ایران تولید کنند. تولیدات محلی یک کلید طلایی برای کمپانیهای چندملیتی است. موفقیت استراتژیهای کمپانیهای چندملیتی دخانیات بر اساس معیارهای زیر سنجیده می شود:

۱- نفوذ به بازار از طریق واردات غیرقانونی

۲- ضعیف کردن انحصار دولتی با کاهش سهم بازار محصولات خانگی و فروش قانونی

۳- متقاعد کردن سیاست گذاران برای باز کردن درهای بازار

۴- بدست آوردن حق قانونی برای واردات قانونی و تولید انواع سیگار خارجی

۵- مسدود کردن بازار غیرقانونی و بدست گرفتن بازار از راههای قانونی

تبعات بعدی خصوصی سازی شاید دیر بروز نمایند. بازبینی صنایع خصوصی سازی شده مشخص می کند که خصوصی سازی منتهی به بهره وری و سودآوری می شود، چیزی که همیشه حکایتگر افزایش تولید است. ولی اگر تولید افزایش یافته توسط تولیدکنندگان سیگار با مصرف بالاتر بدست آید، می تواند موجب تأثیر منفی بر سلامت عمومی شود. برای از بین بردن این آثار بالقوه منفی خصوصی سازی، Be Beyer, Yurekli از بانک جهانی پیشنهادی برای ارائه یک برنامه مدون و منظم به منظور تصحیح اشکالات بازار مطرح کردند که شامل افزایش سطح آگاهی شهروندان از مضرات دخانیات، حفاظت غیرسیگاریها در برابر دود تحمیلی ناشی از سیگار در مکانهای عمومی و منع جامع در تولید و عرضه محصولات دخانی بود.

۶- راه حلها

برای کمپانیهای دخانیات هیچ وظیفه قانونی وجود ندارد تا مسئولان را در مورد مقصد نهایی فروش محصولات خویش آگاه کنند. خطمشی کارخانه‌های چندملیتی تنها اینست که محصولات آنها بصورت قانونی به دلالهای ترانزیت فروخته شود. نگرانی مسئولین آن است که سالانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ بیلیون سیگار در طی جابجایی بین‌المللی ناپدید می‌گردد و برآوردهایی باید انجام گیرد که آیا سیگارها به مقاصد نهایی خود می‌رسند یا نه. صنعت دخانیات بخاطر صادرات سیگار به مناطقی که می‌دانند به آن اندازه تقاضای قانونی وجود ندارد، سرزنش می‌شوند. در خاورمیانه، میلیاردها سیگار به قبرس و لبنان صادر می‌شود، مکانهایی که در اصل بازار فروش غیرقانونی برای ایران و عراق هستند. بعنوان قسمتی از استراتژی برای جلوگیری از ناپدیدشدن در طی حمل و نقل بین‌المللی، کمپانیهای سیگارسازی باید موظف شوند که در زمان تولید، مقاصد نهایی فروش را مشخص نموده و بدانند که آیا تقاضای قانونی برای محصولاتشان در بازارهای هدف وجود دارد یا نه.

با در نظر گرفتن چنین تفسیری از مشکل، به اعتقاد ما، لازمه نظارت دولتها، ایجاد احساس مسئولیت در تولیدکنندگان برای جابجایی قانونی سیگار بعد از خروج آن از کارخانه می‌باشد و اینکار در صورتی قابل تحقق خواهد بود که آنها را مجبور کنیم تا مقصد نهایی را نشان دهند. اگر راهکارهای زیر بانجام برسد این اتفاق می‌افتد. بنظر می‌رسد یکی از مهمترین قدمها در این میان پذیرفتن مسئولیت از طرف تولیدکنندگان این محصول می‌باشد. نقش آنها در پدیده قاچاق تا حدی مشخص است که تعهد آنها در این زمینه باید بطور صریح آشکار گردد. این مسئولیت جدید باید در مقایسه با گذشته کاملاً قابل تمایز باشد. در این میان، سایر خصوصیات مثل؛ ارتباطات سنتی و جدید بین مشتریان و صنعت باید مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد.

دخانیات یک مورد خاص بوده و باید برخوردی مانند یک مسئله خاص با آن داشته باشیم. دور از تصور است که هر محصول مصرفی دیگری را در این حجم، بدون پرداخت مالیات در نظر بگیریم- یک سوم کل صادرات راه خود را به طرف بازارهای ممنوعه کج می‌کنند. تولیدکنندگان باید ملزم شوند تا شاخصهای تولید را بر هر بسته سیگار ثبت نموده و در آن تولیدکنندگان، تاریخ، مکان تولید و سایر اطلاعات را مشخص نمایند. با این کار یک رشته از خریداران عمده، صادرکننده و توزیع کننده و بازار نهایی معین می‌گردد. برای اثبات اینکه سیگارهایی که کارخانه را ترک کردند به مقاصد نهایی خود رسیده‌اند تعهدات باید بر تولیدکنندگان دیکته شود (از طریق مستندسازی و سیستم پیگیری). تولیدکنندگان از ابتدا باید بدانند که به کدام کشور تولیدات خود را می‌فرستند. اکثر کشورها شعار بهداشتی خاص خود، همراه با تمبر مالیات و یا بازار خویش را داشته و فقط می‌توان در محل تولید آنها را نصب نمود. تولیدکنندگان باید اطلاعات لازم را در مورد کشور مقصد در اختیار داشته و مدارکی دال بر وجود بازار مصرف در آن کشور ارائه دهند. همچنین باید مطالعات بازار را بخوبی در آن کشور برای محصول خاص داشته و لیستی از بازرگانان بینابینی و بازارهای بین‌المللی را که حاوی اطلاعات دقیق باشد، ارائه دهند.

قاچاق دخانیات تنها از طریق همکاری بین‌المللی با موفقیت مهار می‌شود و بهترین راه کار برای بدست آوردن این مهم، راهکار FCTC سازمان بهداشت جهانی است.

مقاله ۱۵ متن FCTC، مقاله ۱۵ در مورد تجارت غیرقانونی محصولات دخانی، مانند خرید و فروش، نظارت، جمع‌آوری اطلاعات، همکاری، جرایم، پروانه‌ها است. طبق متون FCA که از ۱۸۰ سازمان غیردولتی از ۷۰ کشور تشکیل شده است، متن مقاله ۱۵ شامل تعهدات صریح و قاطع است ولی متنی کلی می‌باشد. پیشبرد این پروتکل، این تعهدات را اختصاصی می‌کند، معنی‌دار و قابل اجرا در بین کشورها طبق متون FCA که از ۱۸۰ سازمان غیردولتی از ۷۰ کشور تشکیل شده است، متن مقاله پازدهم شامل تعهدات صریح و قاطع در زمینه قاچاق می‌باشد ولی اشکال اصلی این بند کلی نگری آن می‌باشد. بطور قطع پیشبرد این پروتکل و اختصاصی کردن تعهدات، قابلیت اجرای آن را در کشورهای عضو تضمین خواهد کرد. این پروتکل می‌تواند حداقل کنترل مورد نیاز را مشخص نموده، استفاده از مدارک و اسناد را عملی و سوالات مطرحه برای دوطرف و همکاری‌های بین تشکیلات مختلف برعلیه تجارت غیرقانونی دخیانیات را مشخص کند. مذاکرات برای یک پروتکل باید بدون تأمل آغاز گردد.

پیوست ۱

بخش ۱۵ از معاهده FCTC سازمان بهداشت جهانی، پذیرفته شده با WHA ۵۶/۱، ۲۱ می ۲۰۰۳.

قسمت چهارم: راههای مربوط به کاهش عرضه دخانیات

بخش ۱۵

تجارت غیرقانونی محصولات دخانی

۱- تمام اعضا باید بپذیرند که تمام انواع تجارت غیرقانونی در تولیدات دخانی، شامل قاچاق، تولید غیرقانونی و تقلبی باید حذف گردند. پیشبرد و انجام قوانین بین‌المللی وابسته بعلاوه قوانین هر بخش، منطقه و جهانی، اجزای تشکیل دهنده برنامه کنترل دخانیات هستند.

۲- هر کشور باید قوانین مورد نظر را بپذیرد و سپس بطور دقیق مورد نظارت و اجرا قرار دهد. این قوانین در راستای این موضوع می‌باشند که در تمام کشورها جعبه‌ها و بسته‌های محصولات دخانی داخلی و خارجی از لحاظ مکان تولید و ضوابط و قوانین بین‌المللی تولید محصولات دخانی و توافقات خریداران و فروشندگان، قابل شناسایی و پیگیری باشند. به علاوه هر عضو باید:

الف) امکان فروش هر بسته یا جعبه محصولات دخانی را برای خرده‌فروشی یا فروش کلی فراهم کنند با درج این پیام به زبان محلی که: فروش فقط در (وارد کردن نام کشور، منطقه یا استان) آزاد است، یا قرارداد هر نوع مؤثر دیگر از شاخصها برای نمایاندن مقصد نهایی و یا هر نشانی که سیاست‌گذاران را متوجه کند که آیا این محصول بصورت قانونی در بازار وجود دارد یا نه و:

ب) در صورت انقضا، در نظر گرفتن پیشبرد یک پیگیری عملی برای امنیت دادن بیشتر به سیستم توزیع و کمک به حل تجارت غیرقانونی

۳- هر یک از اعضا باید اطلاعات ذکر شده در پاراگراف دوم را از این مقاله در نظر بگیرند و اطمینان داشته باشند که در فرمی خوانا و در فرم زبان یا زبانهای آن منطقه بکار رفته باشند.

۴- با دیدگاهی به سمت حذف تجارت غیرقانونی در محصولات دخانی، هر یک از اعضا باید:

الف) نظارت و جمع‌آوری اطلاعات در مورد تجارت بین‌مرزی محصولات دخانی، شامل تجارت غیرقانونی، اطلاعات گمرکی، مالیات و سایر مسائل مهم را به طور کامل انجام دهند و این امر باید برطبق قانون بین‌المللی و توافقات دوجانبه یا چندجانبه باشد.

ب) بانجام رساندن و تقویت قوانین، با جرایم و راهکارهای متناسب برعلیه تجارت غیرقانونی در تولیدات تنباکو شامل سیگارهای تقلبی و ممنوع.

ج) اقدام مقتضی برای اطمینان از اینکه تمام ملزومات ضبط شده، سیگارهای تقلبی و قاچاق و سایر محصولات دخانی غیرقانونی نابود می‌شوند. این امر در صورت امکان با استفاده از روشهای دولتی و دوستانه و یا طبق قوانین ملی تحقق خواهد یافت.

د) ترتیب دادن و انجام شاخصهایی برای کنترل، نظارت و ثبت انبارها و طریقه پخش محصولات دخانی که تحت مالیات و گمرک هستند در حوزه اختیاراتشان

ه) ترتیب دادن شاخصهایی مقتضی برای اینکه کالاهای ضبط شده مجدداً وارد تجارت غیرقانونی نشوند.

۵- اطلاعات جمع آوری شده و مرتبط با پاراگرافهای ۴ (الف) و ۴ (د) از این مقاله باید، در صورت امکان، توسط اعضاء جمع آوری شود و در گزارشهای ماهیانه در کنفرانس دسته‌ها بحث شود، بر طبق مقاله ۲۱.

۶- اعضاء موظفند، مطابق با قوانین ملی، همکاری بین سازمانهای دولتی و سازمانهای غیردولتی و ارگانهای ذیربط را ارتقاء دهند بطوریکه تمامی این بخشها در امر تحقیقات و پیگیریها با هدف کلی حذف تجارت غیرقانونی محصولات دخانی، مشارکتی فعال داشته باشند. در این میان باید تأکید مضاعفی بر همکاریهای بین منطقه‌ای و ناحیه‌ای برای حذف تجارت غیرقانونی دخانیات در نظر گرفته شود.

۷- هر عضو باید سعی بر بدست آوردن و اجرای بیشتر شاخصهایی مثل مجوز دادن، هرکجا که مقتضی بود، کند تا کنترل و نظم در تولید و پخش محصولات دخانی انجام شده و از تجارت غیرقانونی جلوگیری شود.